

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

در بحث اعتبار سند کتبی که دیروز به جمع بندی فقهی رسیدیم، از امروز وارد این جهت می شویم که در حقوق وضعی مسأله به چه شکلی دیده شده و با بررسی تطبیقات بر حقوق وضعی ببینیم با آنچه از نظر فقهی آن را صحیح دانستیم انطباق دارد یا خیر؟

اولا در قانون آیین دادرسی مدنی در ماده 51 می گوید: «دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگه های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد...» پس الزام قانون به کتبی بودن دادخواست است، یعنی هرکس هر مرافعه مدنی دارد ناچار از توسل به کتابت است یعنی فی الجمله چیزی به عنوان رفع الامر الی الحاکم در امور مدنی به نحو شفاهی در قانون نداریم. البته اموری استثنا هستند مثل بعضی از طواری دادرسی (امور اتفاقی) در فراز هفت ذیل همین ماده قانونی می گوید: «باید امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز امضا اثر انگشت او ذیل دادخواست باشد» این را برای دو مطلب آورده است: اول به جهت احراز صدوری و دوم به جهت این که بتواند بر این ترتیب اثر جدیت بدهد. چون نوشته در عرف مادام که به امضا یا اثر انگشت شخص نرسد معلوم نیست که مبتنی بر اراده جدی باشد.

نکته دیگر در ماده 57 همین قانون است، در ماده 57 خواهان مکلف است ادله مورد استناد خودش را که مکتوبات است، ضمیمه دادخواست کند. (نه اصلش را بلکه به تعبیر قانون گذار، رونوشت (استنساخ) یا تصویر (کپی) آن را). مثلا می خواهید دادخواست تخلیه عین مستأجره را بدهید باید ادله خود را ضمیمه کنید که در این جا اولاً باید دلیل مالکیت عین یا منافع عین را ارائه کنید. ثانياً باید دلیل رابطه بین شما و بین خواننده تحت استیجار ارائه کنید و بعد می گوید: وقتی این پیوست ها را ارائه می کنید باید با معیاری به تعداد خوانندگان به علاوه یک نسخه باشد. وقتی دعوا علیه یک نفر است پیوست های ضمیمه دادخواست باید دو نسخه باشد چون یک نسخه ضمیمه پرونده می شود و یک نسخه به همراه دادخواست برای خواننده ارسال می شود. این مستندات که در ماده 57 مطرح شده همگی از جمله مکتوبات است.

برای این که روشن شود که این پیوست ها درست است، چند پیش بینی از سوی مقنن صورت گرفته است:

1- گفته کپی یا رونوشت باید اولاً تصدیق مطابقت با اصل داشته باشد، فرض کنید اگر سند برای اداره ثبت اسناد باشد و شما کپی گرفته اید باید مهر اداره ثبت در آن بخورد که کپی برابر اصل است. یا اگر برای بانک است خود بانکی که اصل را صادر کرده می تواند کپی را تصدیق کند به علاوه این که کل دفاتر اسناد رسمی و همچنین وکلای رسمی دادگستری حق تصدیق دارند، یعنی اصلاً بدون تصدیق، مستندات در دادگاه تحویل گرفته نمی شود.

2- در جلسه اول رسیدگی در دادگاه، قاضی مکلف است از طرف بخواهد تا اصول اسنادی که رونوشت یا کپی آن را ضمیمه کرده، ارائه کند و اگر اصلش در دادگاه ارائه نشود پذیرفته نمی شود.

3- اختیار ایراد به طرف مقابل نسبت به این اسناد داده شده است یعنی یا می تواند ادعای انکار، تردید یا جعل کند. اگر سندی که ابراز شده سند رسمی باشد ادعای جعل مسموع است ولی ادعای انکار یا تردید مسموع نیست، اما اگر عادی باشد هر سه مورد ممکن است.

این جهاتی که مقنن مقرر کرده به جهت احراز وثوق صدوری در سند و مصون بودن آن از جعل و تزویر و مأمون بودن از خدعه و نیرنگ است و الا اگر برای دادگاه احراز نشود نمی تواند به مکتوبات ترتیب اثر بدهد. علاوه براینها ممکن است سندی که ارائه می شود در خارج از کشور باشد باید در کنسول گری یا در سفارت خانه باید تصدیق شود به هر صورت برای موقعیت های گوناگون، قانون گذار برای احراز وثوق صدوری و مأمون بودن از تزویر و جعل پیش بینی هایی کرده است بنابراین قانونگذار صرف مکتوب بدون قرینه صحت را معتبر نمی داند بلکه مأمون از تزویر بودن و علم عرفی به صحت مضمون دخیل است.

و الحمد لله رب العالمین